

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۹۰۹

جمعه ۸ اسفند ۱۳۹۹ - ۲۶ فوریه ۲۰۲۱

مذاکره برجامی، دوراهی یا ادامه بن بست؟

شهاب بهرامی

با روی کار آمدن بایدن، دستگاه دیپلوماسی آمریکا ظاهراً با تغییر ریل سیاست فشار حداکثری دوره ترامپ و توهیم به توافق جامع برجامی از راه مذاکره و دیپلوماسی فعال با ایران، می خواهد حکومت اسلامی را از دستیابی به تولید سلاح هسته ای باز دارد. این در حالی است که تنها دو روز بعد از توافق سه ماهه آژانس بین المللی انرژی اتمی با دولت ایران، مقام های جمهوری اسلامی اعلام کردند که از روز سه شنبه پنجم اسفندماه، همه دسترسی های تکمیلی "آژانس بین المللی انرژی اتمی" به تاسیسات هسته ای ایران قطع شده است. علی خامنه ای هم در سخنانی بر ادامه غنی سازی تا ۶۰ درصد تاکید گذاشت.

روز چهارشنبه سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در یک کنفرانس خبری گفت: که اقدامات ایران در فاصله گرفتن از محدودیت های برجام و افزایش فعالیت های هسته ای این موضوع را به یک چالش فوری برای آمریکا تبدیل می کند و البته صبر ما بی پایان نیست.

بدنبال این اقدام، وزرای خارجه سه کشور اروپایی امضا کننده برجام روز سه شنبه ۵ اسفند ماه با انتشار بیانیه ای از "تعلیق اجرای پروتکل الحاقی و اقدامات شفاف تحت توافق برجام" از سوی ایران عمیقاً ابراز تاسف کرده و آن را تصمیمی "خطرناک" خواندند. آژانس بین المللی انرژی اتمی در گزارش جدید خود اعلام کرد که ذخایر اورانیوم غنی شده با غنای ۲۰ درصد به بیش از ۱۴ برابر حد مجاز تعیین شده در برجام افزایش یافته است.

حکومت ایران همزمان با تاکید

سیستان و بلوچستان

گلونه بجای آب

گلونه بجای نان

گلونه بجای کار

گلونه بجای زندگی

امروز اعتصاب عمومی و اعتراض در سراسر سیستان و بلوچستان و فردا

گلونه بجای گلونه

در این شماره انترناسیونال:

شماره صفحه:

- ۱ مذاکره برجامی، دوراهی یا ادامه بن بست؟ شهاب بهرامی
- ۲ بیانیه حزب کمونیست کارگری درباره زبان مادری مردم بلوچستان دست به اعتصاب عمومی زدند
- ۳ در دفاع از سلمان رشدی. شهاب بهرامی
- ۵ و ۴ مولودی عبدالحمید کجا ایستاده است؟ مراد مکوندی
- ۶ آنشمرلی با مقنعه قرمز، فتوای جدید خامنه ای جنبش دانشجویی در ترکیه و تحولات آن. امیر عسگری
- ۷ اطلاعیه برگزاری مراسم بزرگداشت نازنین برومند عزیز از مدیای اجتماعی حزب
- ۸ اطلاعیه های حزب
- ۱۰ و ۹
- ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵

خواهد شد. بوجود آوردن یک قطب نیرومند جهانی برای "آفرینای جنوبیزه کردن" ایران به معنی بایکوت کامل سیاسی رژیم در سطح جهانی، کوتاه ترین راه برای پایان دادن به مشقات مردم و سرنگون کردن جمهوری اسلامی خواهد بود.

حکومت در قدرت چه با توافق چه بی توافق، چه با برجام چه بدون برجام به معنی سیه روزی بیشتر و ادامه فقر و بیکاری و گرسنگی میلیونی مردم ایران خواهد بود در حین اینکه بحران همه جانبه حکومت نیز بیشتر تشدید

شدن کامل تحریم ها نمیتواند بپذیرد و اگر هم نپذیرد ادامه شرایط فعلی برایش امری تقریباً غیرممکن خواهد شد. در واقع این دوراهی ناموجود عیان کننده کامل بن بست سیاسی تمام عیار حکومت اسلامی ایران است. ادامه بقای

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

بیانیه حزب کمونیست کارگری در باره زبان مادری آموزش به زبان مادری یک حق جهانشمول است!

بار دیگر بمناسبت ۲۱ فوریه روز جهانی زبان مادری، حق آموزش به زبان مادری و اعتراض به قوانین و رفتارهای فاشیستی جمهوری اسلامی، حکومتی که ناقض این حق انسانی است بیش از هر زمان برجسته شده است.

یک وجه اصلی تبعیض و ستم ملی، ستم زبانی است. در ایران این ستم، میراث سلطنت پهلوی است که توسط حکومت اسلامی تداوم یافته است. اکنون جمهوری اسلامی ناقض حق آموزش به زبان مادری، تبعیض و ستم زبانی بر علیه مردمی هست که زبان مادریشان غیر از زبان فارسی است. محرومیت از آموزش به زبان مادری حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم رسمیت قانونی پیدا کرده است. به این ترتیب زبان قانونا به یک ابزار سرکوب سیاسی - اجتماعی بدل شده و علیه بخشی از مردم بکار گرفته میشود.

زبان وسیله ابراز وجود عاطفی است. زبان وسیله بروز احساسات درونی است. زبان وسیله بیان غم و شادی است. زبان ابراز ارتباط اجتماعی است. زبان ابراز تفکر و آموختن و کسب دانش است. زبان کانال ابراز وجود اجتماعی و سیاسی و شکوفایی انسان است. به این اعتبار زبان دیگر صرفا ابزار و وسیله هم نیست. بخشی مهم از زندگی انسان است. انسان و بطریق اولی انسان کودک با زبانش زندگی میکند. ممنوعیت آموزش به زبان مادری در ایران یعنی محروم کردن میلیونها کودک از ایجاد ارتباط احساسی، عاطفی، اجتماعی، فکری و در یک کلام محروم کردن کودک از یک زندگی شاد. ممنوعیت آموزش به زبان مادری، یعنی پرتاب کردن ناگهانی کودک از دنیای مانوس زبان مادری به دنیای تماما ناشناخته یک زبان جدید، یعنی تبدیل کردن اولین تجربه آموزش کودک به محیطی ناامن و تجربه ای رنج

آور. یعنی تعرض به روان و عواطف و فکر و آگاهی و رشد کودک. از اینرو بالاترین درصد ترک تحصیل از میان کودکانی است که از آموزش به زبان مادری محروم شده اند.

زبانهای مختلف بخشی مهم از فرهنگ جهانی و هویت انسانها هستند. حق تحصیل و فعالیت فرهنگی، ادبی، اجتماعی و سیاسی به زبان مادری باید به عنوان یک حق مسلم و جهانشمول همه متکلمین به زبانهای مختلف برسمیت شناخته شود.

در ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی، هر سال به بهانه روز جهانی زبان مادری، نیروی های ارتجاعی ناسیونالیستی به جان هم می افتند. از یکسو ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و آریایی و فارس، و از سوی دیگر انواع ناسیونالیسم قومی ترک و کرد و عرب و بلوچ و غیره فعال میشوند. این دو صف ارتجاعی برای هم رجز میخوانند. یکی صورت مساله را انکار میکند و دیگری تبعیض زبانی را ابزاری برای سهم خواهی از قدرت میکند.

فاشیسم ایرانی - آریایی و ناسیونالیسم فارس چماقداران فکری و ایدئولوژیکش متشکل از ادبا و شعرا و مورخین و پروفیسورها و ژورنالیستها را به خط میکند تا تاریخ بسازند و حماسه سرایی کنند که ایران سرزمین "نژاد پاک آریایی" است؛ و "ترک و کرد و عرب و بلوچ" و غیره هم ریشه آریایی دارند؛ زبان فارسی تنها زبان اصیل با قدمت طولانی است؛ زبانهای دیگر اصالت ندارند، قدمت ندارند و چماق "تمامیت ارضی مقدس" را بالای سر جامعه می چرخانند که آموزش به زبان مادری همان و پارچه پارچه شدن ایران همان!

انواع ناسیونالیسم قومی ترک و کرد و عرب و بلوچ و غیره هم ادبا و شعرا و مورخین و پرفیسورها و ژورنالیستهاشان

را به صف میکنند که به نام دفاع از حق آموزش به زبان مادری، متکلمین به زبانهای غیر از فارسی را به مثابه اقوامی معرفی کنند که تاریخشان پرشکوه تراست، قومیتشان خالصتر است، زبانشان اصلیتز و قدیمیتر است، تعدادشان بیشتر است و دشمنشان هم "قوم پارس" است و نه جمهوری اسلامی. به این ترتیب هر سال در روز جهانی زبان مادری، دو نیروی ارتجاعی به نام زبان مادری بر شیپور قومیت و نفرت قومی و ملی می دمند. به این ترتیب فاشیسم و ناسیونالیسم و قوم پرستی در دو سوی این جدال خود یک مانع برای حل ستم ملی و مساله تبعیض زبانی هستند. نه فقط این بلکه تلاش میکنند به اتحاد مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی لطمه بزنند و مردم را بجان هم بیاندازند و نهایتا در عمل به ارتجاع اسلامی حاکم خدمت میکنند.

جمهوری اسلامی که خود عامل اصلی اعمال ستم ملی و زبانی در ایران است و با جنبشهای قدرتمندی علیه انواع تبعیضها مواجه است؛ و در طی سه سال گذشته با خیزش های متحد مردم در صدها شهر، از تهران و آذربایجان گرفته تا اصفهان و سیستان و بلوچستان، و از کردستان و خراسان گرفته تا خوزستان مواجه شده است و شعار "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" لرزه بر ارکانش انداخته است، نه تنها از این کشمکش و نفرت پرانی و تفرقه افکنی ناسیونالیستها استقبال میکند بلکه فعالانه آنرا باد میزند. بی دلیل نیست که کارگزاران جمهوری

از نظر حزب کمونیست کارگری بر سر سره مند شرح از حق مسلم آموزش و فعالیت به زبان مادری قبل از هر چیز باید جمهوری اسلامی را سرنگون کرد که مسئول مستقیم انواع تبعیضها از جمله تبعیض و ستم ملر و زبانی است.

اسلامی در روزنامه ها و برنامه های تلویزیونی دولتی، هر از گاهی با تمسخر و تحقیر زبان و لهجه و لباس مردم مناطق مختلف، فضا را برای تحرك جنبش و نیروهای قومی و ناسیونالیستی فراهم میکنند. جمهوری اسلامی از همبستگی مردم بشدت واهمه دارد و لذا از طریق دامنه زدن به تفرقه های ملی - قومی تلاش میکند صفوف مبارزه مردم را در هم بریزد و مانع اتحاد آنها شود. از اینرو قوم گریان و ناسیونالیست ها عملا در خدمت جمهوری اسلامی قرار میگیرند.

آموزش و فعالیت به زبان مادری در همه زمینه ها از جمله در زمینه های ادبی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی یک حق انکار ناپذیر، مسلم، انسانی و جهانشمول است و مبارزه برای رسیدن به این حق هم یک وجه مهم مبارزه برای جامعه ای است که در آن ستم ملی نباشد، ستم زبانی نباشد و همه شهروندان از حقوق برابر برخوردار باشند. مبارزه برای رفع تبعیض زبانی مبارزه ای علیه فارسیها نیست. این مبارزه مشترک همه کسانی است که از ستم ملی و زبانی رنج می برند. این مبارزه مشترک همه مردم یعنی حکومت اسلامی است. در این مبارزه میلیونها نفر از مردم فارس زبان که آنها هم خواهان رفع همه تبعیضات و از جمله تبعیض زبانی اند، سهمیم هستند.

زنده باد حقوق برابر شهروندی!

زنده باد مبارزه متحد مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ اسفند ۱۳۹۹، ۲۳ فوریه ۲۰۲۱

مردم سیستان و بلوچستان دست به اعتصاب عمومی زدند

اعتراض سراسر شهرهای سیستان و بلوچستان را فراگرفته است جوانان کورین پاسگاه سپاه را تصرف کرده و سپاهیان اسلام را فراری دادند

سایر مراکز حکومتی را تصرف میکنند و مقامات جنایتکار و دزد حکومت و اوپاش سرکوبگر حکومت را دستگیر میکنند.

حزب کمونیست کارگری از مردم در سراسر کشور میخواهد به هر شکل که میتوانند جنایت حکومت را محکوم کرده و همبستگی خود را با مردم سیستان و بلوچستان اعلام کنند. از تشکل های کارگری، دانشجویی، معلمان و بازنشستگان و سایر تشکل های مردمی انتظار میرود با بیانیه ها و گفتمان های خود فضای اعتراض را دامن بزنند.

مردم کردستان که خود هر روز شاهد تیراندازی و جنایت مزدوران حکومت به کولبران هستند، جا دارد که دست

به تجمعات اعتراضی بزنند و جنایات جمهوری اسلامی در سیستان و بلوچستان و در کردستان را محکوم کنند و خواهان معرفی و محاکمه آمران و علامان کشتار مردم شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۶ اسفند ۱۳۹۹، ۲۴ فوریه ۲۰۲۱



در اعتراض به جنایت هولناک سپاه پاسداران و کشتار سوخت بران در مرز زاهدان به پاکستان، مردم شهرهای مختلف سیستان و بلوچستان دست به اعتراض وسیعی زدند. اعتصاب عمومی در زاهدان، سراوان، ایرانشهر، سرباز و جکیگور را شروع کردند و در شهرهای مختلف دست به تجمعات اعتراضی زدند. برخی جاده ها را بستند، خودروهای حکومتی را به آتش کشیدند و به برخی مراکز حکومتی حمله کردند.

مردم زاهدان دیروز ۵ اسفند فرمانداری این شهر را تصرف کردند و مقامات فرمانداری را فراری دادند و امروز به پاسگاه

سپاه در بخش کورین سر جنگل در شهرستان زاهدان حمله کرده و پاسگاه را تصرف کردند. مزدوران سپاه دست به فرار زدند. و این در حالی است که

مزدوران از تجمع مردم مطلع بودند، به مردم تیراندازی کردند تا جلو آنها را بگیرند اما جوانان و مردم معترض و مصمم به پاسگاه حمله کرده و

علیرغم همه اینها اعتراض مردم در حال شعله ور شدن بیشتر است.

آنچه امروز در بخش کورین زاهدان اتفاق افتاد فردا در سراسر کشور تکرار میشود. مردم در سراسر کشور دست به تظاهرات سراسری و اعتصاب عمومی میزنند، پاسخ گلوله را با گلوله میدهد و مراکز سرکوب و مجلس و بیت رهبری و صدا و سیما و

اعتراض، اینترنت را در شهرستان سراوان قطع کرده و ماموران امنیتی به شهروندان اجازه ورود و خروج نمی دهند و عده ای را در این شهر و شهرهای دیگر دستگیر کرده اند. همچنین نیروهای سرکوب بیشتری به منطقه اعزام کرده اند و مراکز سرکوب را از ترس حمله مردم تقویت کرده اند. برخی پمپ بنزین ها را تعطیل کرده و نیروهای امنیتی را در اطراف آن مستقر کرده اند.

آنها تسخیر کردند.

ماموران امنیتی و انتظامی سراوان از ترس هجوم مردم در مقابل پاسگاه آسپیچ اقدام به گذاشتن موانع و جدول های بتونی کردند.

امروز ساعت ۶ عصر به وقت ایران قرار است تجمعات بیشتری در شهرهای سیستان و بلوچستان برگزار شود.

رژیم در وحشت از گسترش

رژیم اسلامی باید از جمله به دلیل

کشتار معترضین در جریان اعتراضات ضد حکومتی، از جمله در خیزش های ۸۸ و ۹۶، و همچنین آبان ۹۸ که در جریان آن ۱۵۰۰ نفر به قتل رسیدند؛

بایکوت شود!

#BoycottIranRegime

پتیشن بایکوت رژیم را امضا کنید!

www.boycottislamicregimeofiran.com

اعتصاب عمومی در سیستان و بلوچستان

در اعتراض به جنایات سپاه پاسداران



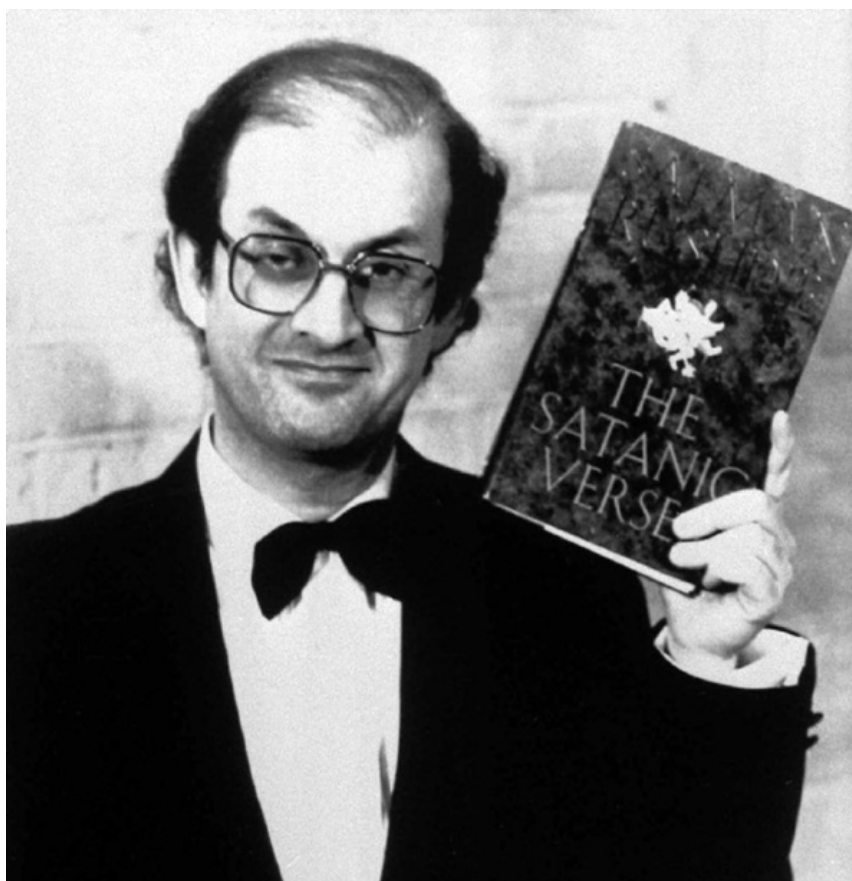
در دفاع از سلمان رشدی

شهاب بهرامی



رمان های رشدی

در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ خمینی حکم قتل سلمان رشدی و ناشرین کتاب "آیات شیطانی" وی را در سراسر دنیا صادر کرد. به دنبال این حکم "هیتوشی ایگاشی" مترجم کتاب آیات شیطانی به ژاپنی که در دانشگاهی تدریس میکرد در سال ۱۹۹۱ میلادی به دست تروریست های اسلامی کشته شد. مترجم ایتالیایی این کتاب نیز همان سال در میلان با ضربات چاقو بشدت زخمی شد ولی زنده ماند. یکی دیگر از قربانیان این فتوا "ویلیام نیگارد" ناشر نروژی کتاب بود که در سال ۱۹۹۳ میلادی به ضرب گلوله کشته شد و بالاخره سوء قصد به "عزیز نسین" نویسنده آتئیست و طنز نویس برجسته ترکیه بود که در سال ۹۳ در هتلی در "سیواس" مورد حمله گروه های تروریست اسلامی قرار گرفت. با آتش زدن هتل توسط اسلاميون ۳۳ نفر در این حمله جان باخته و در آتش سوختند اما عزیز نسین نجات یافت. سلمان رشدی پس از صدور حکم خمینی، از آن پس تحت حفاظت پلیس انگلیس به زندگی مخفی روی آورد. ناگفته نماند پیش از فتوای خمینی تعدادی از اساتید دانشگاهی و نویسندگان آتئیست بوسیله حزب الله و شیعیان تحت حمایت ایران در سوریه و فلسطین و لبنان به قتل رسیده بودند منجمله مهدی عامل حسین مروت و کاریکاتورست فلسطینی ناجی العلی که هر دو در سال ۱۹۸۷ ترور شدند.



سلمان رشدی در رمان های "شرم" و "بچه های نیمه شب" که دو سال قبل از فتوای خمینی در ایران اجازه انتشار یافت و حتی مورد استقبال و به به و چه چه روزنامه های رژیم قرار گرفت از مردمی که طعمه خرافه و سرکوب رژیم های سرکوبگر و اسلامگرا مشخصا در پاکستان و بنگلادش بودند به دفاع برمی خیزد. بچه های نیمه شب حکایتی است در سبک تمثیل و تخیل از حوادث و اتفاقات هند، قبل و بعد از جدایی پاکستان. سلمان رشدی جنگ های دینی هند و پاکستان و جنایات نظامیان و کاهنان و ملایان کودن و مزدور و جنگها و فتوهایشان را با ریشخندی گزنده، بیرحمانه مورد حمله قرار میدهد.

رمان آیات شیطانی خود نمونه ای تحسین برانگیز از ادبیات شهرنشینی و شهرهای بزرگی چون لندن و بمبئی است که رشدی خود در دوران کودکی، این شهر را به مقصد لندن ترک کرده بود. رشدی در مقایسه ای سوررئالیستی، ناپیدائی بدویت بمبئی را در دل لندن، شهر مهاجرین رنگین پوست به شیوه ای شگرف نمایان می سازد.

پلی به سوی رنسانس:

محتوای سیاسی واجتماعی رمان های رشدی عصیان خشمگینانه ای است علیه مناسبات سیاسی و اقتصادی موجود که نابود کننده امید به آینده و آرزوهای نیک انسانی است. باید توجه داشت که رمان رشدی بعنوان اثری ادبی زمانی مرزها را درنوردید که جنبش های اعتراضی دهه شصت میلادی، جنبش ضد جنگ، انقلاب جنسی و "هیپی" گری جایش را به "یابی" گری دهه هشتادی در عرصه هنر و فرهنگ و شونیسیم محافظه کارانه، اروپامحور و تنگ نظر با شالوده ای

گویانه و طنزآمیز سعی دارد آن لایه جزئی ولی فوقانی خرده بورژوازی مهاجر را نیز نشان دهد که چگونه برای پول اندوزی و خود را بالا کشیدن، قربانیان فراوانی از خیل پناهنده گان و مهاجرین را انتخاب کرده و با استثمار وحشانه ای آنها را له میکند. لایه ای که با بند و بست با امام جمعه ها و پلیس و ادارات برای انجام هر عمل پست و حقیری حاضر به براق است.

بنابراین طبیعی است که بخشی از پرسوناژهای رمان آیات شیطانی از همین گتو ها سر در می آورند. رشدی همزمان تلاش می کند تا پرده از نژادپرستی جوامع اروپایی بردارد. اینجا رمان حکایت سرگذشت نسل های سوخته ای است که از دوران استعمار انگلیسی به عنوان بردگان مفت و ارزان نیروی بیشمار کار از بمبئی گرفته تا بنگال و پاکستان و ایالت های دیگر هند سر از گتوهای لندن و شهرهای دیگر ملکه در می آوردند. شرح حال رنگین پوستان نگونبختی است که رونق و کثرت گتوهای لندن و حومه را بدنبال داشتند با

از گرایشات محافظه کار و تاجرپرستی که بر فکر و فلسفه اروپایی مسلط شده داده بود در عین حال در تلاش برای پر کردن خلایق در نقد رادیکال مذهب در اروپا بعد از عصر روشنگری بود که بعد از شاید ولتر و اسپینوزا و مارکس کمتر کسی در این زمینه جهد کرد بود. بنظرم جایگاه ادبی و روشنگرانه رشدی بی اغراق شانه به شانه بالزاک روماننیک در ادبیات کلاسیک و استاندال رئالیست در عرصه ادبیات آوانگارد می ساید. جایگاهی که متاسفانه مورد توجه غرب اینتلکتوال قرار نگرفت یا شاید به عمد دیده نشد.

رمان آیات شیطانی، از مشکلات اساسی که دامن زندگی مهاجران مزبور را گرفته آینده روابط با خود و جامعه ای انتگره نشده که در آن احاطه شده می پرسد آینده گتوی آسیایی ها چه خواهد شد؟ آیا آینده ای هم دارند؟ آیا گرایشات متعصب دینی که هر روز به خشونت های بیشتر منجر میشود گتوهای اسلامی را بیشتر در بن بست قرار نمیدهد؟ رشدی با ریشخندی بذله



و حقوق بشری از مردمان آزاداندیش کشورهای غربی و سازمانهای وسیع کارگری خواست تا به دولت هایشان فشار آورده که به کمپ بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی ببینوند، و رژیم ایران را وادار کنند فتوای قتل سلمان رشدی باطل شود و کلیه زندانیان سیاسی آزاد شوند. تمامی کارگزاران و مسئولین ۴۲ سال جنایات به دادگاه های بین المللی رجوع داده شوند. بیشک بایکوت سیاسی رژیم اسلامی ایران اولین ولی مهمترین گام به سوی خلاصی از این نکت و جهنم اسلامی خواهد بود.

دانمارکی و کشتار خونین اعضای هیئت تحریریه مجله "شارلی هیدو" در پاریس و ده ها و صدها جنایت مشابه دیگر ثمره و نتیجه بلافصل سیاست کرنش و مماشات دول غربی بخاطر حفظ منافع کلان اقتصادی و البته با توجیه تئوری سوپر ارتجاعی و ضد انسانی "مالتی کالچرالیسم" یا نسبییت فرهنگی بوده و از این دریچه نیز قابل توضیح است.

برای پایان دادن به این وحشی گری اسلامی، برای دفاع از حق نوشتن، برای دفاع از آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و دفاع از آزادی بیان، قبل از هر چیز باید از نهادهای بین المللی

و نویسندگان غرب انتظار می رفت که در دفاع از رشدی و حق نویسندگی وی و در دفاع از آزادی بدون قید و شرط بیان تمام قد برخیزند و حملات هستتیریک دولتها و رسانه ها را محکوم نمایند. همانگونه که از فراریان و ناراضیان بلوک شرق در بحبوه جنگ سرد با شور و پیرایه های ادبی استقبال و دفاع می کردند همانگونه که به ستایش سولژنیتسن ها و ولادیمیر نابکف ها بر می خاستند. سکوت و بی عملی این دسته از روشنفکران و نویسندگان اروپایی در قبال حمله به رشدی و حتی حمله به وی چنان شور بود که دوتن از اعضای آکادمی نوبل سوئد به عنوان اعتراض استعفا دادند واقعه ای که هرگز تا زمان فتوای قتل رشدی در آکادمی نوبل که عضویت در آن مادام العمری است اتفاق نیفتاده بود.

پر بیراهه نیست اگر که گفته باشیم محکومیت قاطعانه فتوای قتل رشدی از طرف دولت های غربی و بویژه دولت انگلیس در آن زمان می توانست بطور جدی افساری به ماشین تروریسم لجام گسیخته اسلامی و بویژه ماشین ترور جمهوری اسلامی ایران بزند. برعکس سیاست های همسوی دول غربی با جمهوری اسلامی بالاخص با جمهوری اسلامی بستر فعالیت های این شیخ خونین را در غرب نیز گستراند. کشتن ناشرین و مترجمین رمان آیات شیطانی، قتل فیلمساز هلندی، تهدید به کشتن کاریکاتوریست

در حقیقت غرب نه تنها به ستایش این اثر عظیم ادبی و اجتماعی سیاسی نپرداخت بلکه بخاطر خشمی که از قلم گزنده و سبک طنز آمیزش نسبت و بر علیه غرب و رهبرانش که با جد تمام در حفظ ادیان و بویژه حفظ اسلام با شاخه های مختلفش کوشیده به تقبیح رشدی پرداخته، وی را محکوم می کنند. "نورمان تبت" تاجر پست دو آتشه و رئیس سابق حزب محافظه کار انگلیس در روزنامه ایندپندنت به تاریخ ۹ سپتامبر ۹۰ سیاست، موضع و نگرش واقعی دولتمردان انگلیسی را بر ملا می کند. وی می نویسد: رشدی نمونه ای است از یک آدم پست و حقیر زیرا در زندگی وی چیزی جز اقدامات خیانتکارانه و حقیر وجود ندارد او به خاستگاه اجتماعیش به دینش به وطن برگزیده اش (انگلیس) خیانت کرده خیانتی دو جانبه. رشدی مهمان ناخوانده و بی شرم و مرتدی است که مانند توله سگ وق وق می کند او باید به وطنش هند باز گردد.

تعفن کلامی نژادپرستانه سفید انگلیسی که سر تا پای حزب محافظه کار را در بر گرفته نمونه تپیککی از حملات بیشمار رسانه های دست راستی غرب بویژه در انگلیس بود قطعا اگر رشدی سفیدی انگلیسی الاصل بود نصیحت دوستانه "احترام به ادیان واجب است" جایگزین آن همه فحش و توهین و ناسزا به ایشان میشد. احزاب راست اروپا و امریکا، محافظه کاران، مذهبیون مسیحی و یهودی و صد البته اسلامیت ها، هماهنگ باهم نه فقط حمله به رشدی بلکه حمله به آزادی بیان، حمله به آزادی نوشتن و حق نویسندگی را در ابعادی وسیع و جهانی سازمان دادند. لرد "هارتلی شوکرس" حقوقدان مشهور انگلیسی رشدی را محکوم می کند که از آزادیهای سیاسی که به مردم انگلیس داده شده سوء استفاده کرده است بویژه هنگامی که روابط دیپلماتیک کشورمان با یک کشور اسلامی یعنی ایران دارد بهبود پیدا می کند.

از طرف دیگر از روشنفکران

ادامه از صفحه ۴

صدها اما م جمعه و مسجد و تکیه و خانقاه که مفتی ها و امام جمعه ها با دلارهای عربستان و شیخ نشین های حومه خلیج، گتو نشینان را دعوت به خوشبختی در آن جهان دیگر می کنند در عین حال سیاستهای مرتجع ترین سیاستمداران انگلیسی را از حزب محافظه کار گرفته تا لردهای سفید صد درصد خالص انگلیسی نژادپرست و کله پوک را تزریق این بینوایان می نمایند. حمایت بیدریغ این عالیجنابان از زندگی گتویی از دین و مذهب و فرهنگ گتویی و تشویق رشادت های معنوی امامان جمعه که نبض و کنترل گتوها را در دست دارند دیدنی است. رشدی با طنزی گزنده و ادبیاتی پر قدرت بسان وصف بالزاک از پاریس و رنگین پوستانش، این چنین لندن و کنتراست گتوهایش را توصیف می کند. از این منظر هد ف رشدی حمله به سیاست های تاجر و انگلیس هم در مورد مهاجرین رنگین پوست مقیم انگلیس و هم کشورهای هند و پاکستان است بویژه سیاست های بشدت نژاد پرستانه و استثمارگرانه در مورد رنگین پوستان چه در انگلیس و چه در کشورهای جهان سوم بویژه در آن دو کشور.

سکوت و همسویی غرب در قبال حکم قتل رشدی:

مواضع جرج بوش پدر و معاونش وان کویل، جیمز بیکر اسقف نیویورک تا جیمی کارتر و مارگارت تاچر و وزیر و وزراهای ریز و درشت از رئیس جمهور فرانسه ژاک شیراک و اسقف شهر لیون تا خاخام های یهودی و یاپ و واتیکان را بیاد آورید که در ارکستری هماهنگ در لعن و نفرین و محکومیت کتاب آیات شیطانی و شخص رشدی نغمه سر دادند حتی بدون آنکه کتاب را به اعتراف خودشان خوانده باشند، حتی آنکه اشاره ای هر چند کوتاه به فتوای قتلش از طرف خمینی داشته باشند.

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس

تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

مولوی عبدالحمید کجا ایستاده است؟

مراد مکوندی

آنشرلی با مقنعه قرمز، فتوای جدید خامنه ای

ژوبین زارع



روسی را بر سر چوب کرده اند، زنان با اینکه حقوق کمتری از مردان در محل کار دریافت می کنند همچنان به دستیابی به مشاغل مهم و کلیدی ادامه می دهند، مراجع اسلامی را که مخالف ورزش زنان هستند یکی یکی پس زده و به دور انداخته اند.

در کشاکش این مبارزه است که خامنه ای حجاب را برای شخصیت های انیمیشن هم ضروری می داند. او میدان را باخته است. می داند که دیگر حریف زنان نخواهد بود. این ژست های یک دیکتاتور شکست خورده است تا قدرت پوشالی خود را به نمایش بگذارد. در انیمیشن به دستور دیکتاتور و با همراهی چاپلوسان دیکتاتور و اعمال قدرتش بر سیستم، حجاب خواهیم داشت، در کتب درسی زنان حجاب دارند ولی در خیابان حجاب وجود ندارد. اگر وجود داشت که به گشت ارشاد نیازی نبود. زنان دیگر در خانه لازم نمی بینند در مقابل غریبه ها حجاب بر سر کنند.

خامنه ای می تواند بر سر حیوانات هم در رویای خود حجاب بگذارد اما خیابان را از دست داده است. کارمندان دولتی که با زور در محل کار حجاب کامل دارند به اعتراف خودشان به محض خروج از محل کار دیگر اهمیتی به قوانین ملایان نمی دهند. روز مرگ دیکتاتور نزدیک است.

است و زنان سرگرم بچه ها. هیچ عاطفه ای در کار نیست، هیچ دغدغه ای در کار نیست. کار هم که مفهومی اجتماعی است، تنها به وسیله ای برای تامین مایحتاج فرزندان و رسیدگی به زنان بی شمار مرد در نظر گرفته شده است. "کار جوهر مرد است". از این شرایط مفاهیم دیگری زاده خواهد شد تا بتوان زنان را کنترل کرد. غیرت و حجاب مختص مردانی است که نمی خواهند کالای جنسی خود را با دیگران شریک باشند. برای محافظت از بازیچه های خود به شدت مراقب و کوشا هستند. در اینجاست که بدن زن به ابژه ای جنسی برای مردان تقلیل پیدا کرده و برای پوشاندن آن حجاب لازم است.

حجاب سند بردگی زن است. آزادی از حجاب، آزادی از ابژه جنسی بودن است و اگر بخواهیم در مسیر برگشت این مفاهیم حرکت کنیم، نیاز عاطفی و جنسی زن نمودار می گردد و با برگشتی به عقب تر آزادی زن محقق می گردد.

زنی که این سند را پاره می کند، خود را فریاد می زند. در ادامه کار می خواهد، فرزند خود را می خواهد، می خواهد به تنهایی مسافرت برود و برای رسیدگی به امور خود هیچ مجوزی را تحمل نخواهد کرد.

این مسیری است که جامعه تاکنون پیموده است. زنان

زن در اسلام همچون کالایی است که برای بهترین پیشنهاد دهنده که مالکیت منحصر به فرد او را به دست می آورد به فروش گذاشته می شود. زن به ابزار صرف پرورش بچه بدل شده است. کافیست به شرایط یک ازدواج سنتی که بر اساس قوانین اسلام انجام میگیرد نگاه کرد. در این روش ازدواج، هیچ ابایی از اعلام اینکه زن کالاست وجود ندارد. خانواده زوج و با قدرت بیشتر پدر زوجین با یکدیگر معامله ای را انجام می دهند و صاحب دختر که بر اساس شریعت و قوانینی که بر اساس شریعت نوشته شده، جنس دوم است، در ازای مالی منقول یا غیر منقول در اختیار مرد قرار می گیرد. در ازای آن زن باید مطیع بوده و کلیه حقوق انسانی خود را تفویض نماید. حق انتخاب محل زندگی، حق طلاق، حق تحصیل، حق حضانت فرزند، حق مسافرت رفتن بدون اجازه شوهر و زن خوب، در دیدگاه اسلام و حاکمان اسلامی، زنی خواهد بود که توانایی باروری زیادی دارد و فرزندان صالح به دنیا می آورد و در درجه نخست تمامی نیازهای جنسی مرد را برطرف می نماید.

بدون هیچ پرده پوشی زن کالایی جنسی برای مرد مسلمان است. زن از خود اختیاری ندارد و این مرد است که برای او تصمیم می گیرد. زن خدمتکار خانگی است و نیاز عاطفی معنایی ندارد. هرگاه بحث از تفاوت زن و مرد از طرف باورمندان به اسلام آغاز می شود، ختم داستان به جمله ای تکراری و ایدئولوژیک می رسد. «مردان اهل نیاز و زنان اهل ناز هستند». در حقیقت با تکرار بی امان اینگونه خزعبلات حتی به مردان نیز توهین میکنند و آنها نیز به حیواناتی حریص برای دستیابی به زنان بیشتر تقلیل داده می شوند. عالمان دینی برای این ایده راهکار هم ارائه می دهند. مرد می تواند چند زن دائمی و بدون شمارش زن صیغه ای داشته باشد. مرد سرگرم زنان

اعتصاب مردم سیستان و بلوچستان، نقش ضد مردم و ضد انقلاب و ضد سرنگونی را بازی کرد. یعنی زمانی که مردم در اعتراض به کشتار زحمتکشان مرزی و دستفروشان سوخت بدست سپاه، به پاسگاه و فرمانداری و به نیروی انتظامی حمله کردند تا این لانه های فساد و آدمکشی را تصرف کنند و از چنگ جانپان درآورند، مولوی عبدالحمید بیانیه صادر کرد و ردیلا نه و خیانتکارانه از مردم بجان آمده خواست که آرامش! را حفظ کنند و به پاسگاه ها و کلانتری ها و مقرهای فرماندهی سرکوب و حافظ امنیت و منافع سرمایه داران و دزدان و اختلاسگران حمله نکنند تا استاندار و فرمانده سپاه منطقه اعلام کند و به حکومت و غارتگران زالوصفت مژده بدهد که نگران نباشند که امنیت کامل دزدان بزرگ و گردنه بگیران حکومت برقرار شده است. این امنیت دروغین اگر برقرار شده است و یا برقرار خواهد شد، اولاً با زور تانک و توپ یعنی با نهایت سرکوب و در ثانی با پشتیبانی تبلیغات رژیم که مولوی و ماموستا و شیخ و پیر و امام جمعه از ایادی آن بشمار می روند، ممکن است عملی شود، آنهم برای چندصباحی و نه برای همیشه. زیرا این رژیم کولبر کش و سوختبرکش و ضدزن و ضدکارگر و ضدبشر به خط پایانش نزدیک شده است و مردم تصمیم جدی شان را گرفته اند که این لکه ی ننگ و وصله ی ناجور را از زمین بردارند و به زباله دان تاریخ بیندازند. مولوی عبدالحمید هم بداند که در بزنگاه تاریخی حیات سیاسی مردم منطقه، جانب دیکتاتور را گرفته و با او به زیر کشیده خواهد شد.

زنده باد مردم سرانزنده باد جنبش سرنگونی

چهارم اسفند بود که خبری بد شبکه های اجتماعی را درنوردید و خیلی زود در صدر اخبار خبرگزاری های جهان نشست. خلاصه ی خبر این بود: در تیراندازی به سوختبران شهرستان مرزی سراوان، عده ای کشته شدند.

استاندار و فرماندار و فرمانده ی سپاه و نیروی انتظامی سیستان و بلوچستان، مثل بقیه ی اوباشان حکومتی، تکذیب کردند و با داغ شدن خبر و انعکاس عکس و فیلم کشتار سراوان، فرمانده جنایتکار نیروی انتظامی سراوان گفت که تیراندازی توسط پاسگاه مرزبانی پاکستان صورت گرفته است!

نهادهای امنیتی رژیم نخست اینترنت منطقه را قطع کردند تا ارتباط مردم و خانواده های کشته شدگان با شهرها و روستاهای دیگر برقرار نشود و مردم برای دفاع از جان خود با هم متحد نشوند. و ادامه ی داستان که همه آن را خیلی خوب می دانند زیرا مشابه چنین جنایت و اقدامات ردیلا نه ی حکومت در دی ماه ۹۶ و در ۹۷ و مشخص ترینش در کشتار سبانه ی آبان ۹۸ اتفاق افتاده است.

اما آنچه سبب نوشتن این یادداشت شده، نه فقط نشان دادن ددمنشی های سپاه سرکوب جمهوری فلاکتبار اسلامی، نه نشان دادن دروغ و کتمان جنایت و صحنه سازی و مهندسی جنایت، بلکه در این مورد مشخص اخیر، همراهی و همکاری امام جمعه ی سیستان و بلوچستان با سرکوبگران است که با انتقادات سطحی و ابکی اش که عمدتاً در خصوص داشتن یا نداشتن مسجد اهل سنت در تهران و فلان شهر خلاصه می شود، سعی می کرد خود را اپوزیسیون و مخالف با حکومت اسلامی نشان دهد. او در قیام مردم سراوان و

جنبش دانشجویی در ترکیه؛ و تحولات آن

امیر عسگری



دانشگاه‌ها توسط اردوغان و دار و دسته اسلاميون، در سالهای اخیر دانشگاهها را به صحنه اعتراضات که در راس آن دانشگاه صنعتی خاورمیانه در آنکارا قرار دارد بدل کرده است.

رنگین کماني‌ها که بخش عظیمی از آن را دانشجویان تشکیل میدهند در سال ۲۰۱۹ به وحشیانه ترین شکل ممکن مورد حمله نیروهای پلیس اردوغان به بهانه حفظ ارزش خانواده قرار گرفتند. ارزشی که جز یک سنت ارتجاعی و محدود کردن آزادی فردی و اجتماعی افراد نبوده و در چارچوب قانون اساسی لایک ترکیه نیز جایی ندارد. در حال حاضر دانشجویان با دو محوریت: از بین رفتن فضای آزاد سیاسی و حمله به جنبش رنگین کماني‌ها به مبارزات خود ادامه میدهند. گفته میشود تا کنون این اعتراضات که با مقابله متقابل دانشجویان با نیروهای سرکوبگر نیز به همراه بوده، بازداشت بیش از ۹۰۰ دانشجو و فعال در اعتراضات را بدنبال داشته است.

مسئله دانشجویان ترکیه فقط مسئله قیام و یا فقط رنگین کمانيان نیست. بلکه دانشجویان خواستار رهایی از عقب‌گردهای اسلامی و تحمیلات نظام جاکم دزد محورا اسلامی و اسلام سیاسی هستند. راه پیشروی دانشجویان در ترکیه با توجه به شرایط حاکم در جامعه راهی بجز به زیر کشیده شدن حکومت کنونی نیست.

۲۰۱۵ از حزب حاکمیت برای شهرداری استانبول شرکت کرده و شکست خورد، اینبار بواسطه عضویت و رابطه با حزب عدالت و توسعه به تازگی بعنوان رئیس جدید دانشگاه بغازیچی انتصاب شد.

فقط انتصابات پی در پی دولتی نیست که مورد اعتراض و خشم دانشجویان قرار میگیرد بلکه سرکوب فعالین، نشر اسلام سیاسی در دانشگاه و سرکوب و مقابله با رنگین کمانيان که با جنبش دانشجویی پیوند خورده اند موجب خروش دانشجویان شده است.

اعتراضات دانشجویان دانشگاه بغازیچی نمایی کوچک از کلیت معترض بدنه جنبش دانشجویی علیه کلیت نظام ضد انسانی، مرتجع و دزدسالار اسلامگرای حاکم است. دانشجویان بغازیچی سالهای گذشته به عنوان یکی از پنج قطب اصلی دانشگاههای معترض علیه تبعیض، نابرابری، سرمایه‌داری و ایدئولوژیهای ضد بشری همچون اسلام‌گرایی در سیاست دست به تجمع و اکتفای موثر زدند. اینبار اما با تعیین یک قیام جدید توسط حکومت اردوغان و انتصاب «ملیح بولو» به ریاست دانشگاه، همراه با اعتراضات دیگری، اعتراضات اوج تازه‌ای میگیرد.

برخلاف اندیشه بعضی محافل چپ و یا راست مخالف حکومت که عادت کهنه مردسالاری در آنها هنوز خشک نشده، مطرح شدن خواست رنگین کماني‌ها در اوج سرکوب

سال در سال ۲۰۱۵ و بعد از قتل عام مردم کردستان توسط نخست وزیر موقت، «داوود اوغلو» به بهانه PKK وارد فاز جدیدی میشود. مسئله تعیین قیام در بغازیچی و دانشگاههای ترکیه آنچنان که اذعان میشود مسئله کاملاً جدید و تازه‌ای نیست تاریخ آن به کودتای ۱۹۸۰ میرسد. در چهار سال گذشته در سال ۲۰۱۶ مجدداً جلو کشیده میشود. «گولای بارباراوسلوغلو» در سال ۲۰۱۶ از اساتید با سابقه دانشگاه «بغازیچی» ابتدا توسط هیئت انتخابی دانشگاه با کسب %۸۶ آرای کل به ریاست این دانشگاه برگزیده میشود. اما بلافاصله «محمد اوزگان» که برادر نماینده شهر «اسکی شهیر» از حزب عدالت و توسعه است با عزل «بارباراوسلوغلو» بجای وی انتصاب میشود. او بدون تصمیم هیئت مدیره دانشگاه به رانت‌های عظیم چنگ می‌اندازد و در دست حکومت اردوغان علیه دانشجویان بازی میکند. «محمد اوزگان» در دوران ریاستش قراردادی با پیمانکاران حکومتی در داخل فضای دانشگاه امضا کرد که نوع شکل فعالیت مالی این قرارداد مجهول است، با تعیین این فرد نماز جمعه در این دانشگاه برگزار شد و پای پلیس که بر اساس قوانین آموزش عالی ترکیه حق مداخله و ورود به محوطه دانشگاه را ندارد، برای سرکوب هر اعتراضی به دانشگاه به دستور مستقیم محمد اوزگان باز شد. سرکوب فعالین دانشجویی، رنگین کمانيها، جنبش ضد مذهب و فعالین حقوق زنان در این دانشگاه به دست این قیام حکومتی به اوج خود رسید.

جالب اینجاست که جمع کثیری از دانشجویان مخالف اندیشه اسلامی و همچنین اساتید با‌دانش شده، از فعالین دانشجویی چپ‌گرای زندانی در کودتای ۸۰ بودند که به بهانه توطئه و تشکیل دولت موازی در داخل حکومت دستگیر شدند. این پرونده کماکان در جریان است و پرونده کودتای نافرجام ۲۰۱۶ که به اعتقاد بسیاری تاتار اردوغان برای سرکوب مخالفانش بود را نیز به جریان «گولن» وصل میکنند. جریان سرکوب و زندانی کردن فعالین از تاریخ حرکت پارک «گری» در ۲۰۱۳ شروع شده و در ۲۰۱۶ با توطئه کودتای اردوغان به سرکوب تمام عیار فعالین حتی احزابی همچون حزب دمکراتیک خلقها به رهبری صلاح الدین دمیرتاش می‌انجامد.

فاز جدید پروژه تعیین قیام برای شهرداری‌ها، نهادها و سازمانها بعد از حمله به حزب دمکراتیک خلقها در آنکارا در

خشم دانشجویان را اینبار از استانبول روانه ازبک و آنکارا میکند. در این جریان که بیش از ۶ ماه در خیابانهای مرکزی استانبول از جمله میدان «تقسیم» که نماد مبارزات طبقه کارگر در ترکیه است، جریان می‌یابد صحنه کشتار معترضین میشود و همگرایی دانشجویان شهرهای مختلف را نیز بدنبال دارد. دانشجویان در این جریانات بصورت گسترده دستگیر، شکنجه و حتی مورد تجاوز پلیس قرار میگیرند. فضای دانشگاهها و جامعه بسیار پر تنش میشود. در ادامه این جریان که خواست استیضاح و به پائین کشیدن حکومت اردوغان بدلیل پرونده چند صد میلیاردی دزدی از طریق همکاری در تجارت قاچاق سپاه پاسداران وسط کشیده میشود، دولت اردوغان توطئه دیگری را سازمان میدهد و پرونده «گولن» وسط کشیده میشود. فعالین، دانشجویان، معلمان و حتی اساتید دانشگاهی به محاکمه کشیده میشوند.

با روی کار آمدن اردوغان در سال ۲۰۰۲ تا کنون روند سرکوب فعالین در دانشگاه و احزاب شدت گرفته و تاکنون این مقابله در فضای دانشگاه و جامعه در جریان است. اوج اخیر دست اندازی دولت عدالت و توسعه ترکیه یک بار به بهانه طرح «ارگنه کن» و «بالوز» از سال ۲۰۰۶ آغاز شد و در آن دانشجویان و اساتید بسیاری به محاکمه کشیده شده و موجب سرکوب جریانات مختلف سیاسی در فضای دانشگاه شد. در ادامه با طرح کودتای نمایشی و انتساب آن به جریان «عبدالله گولن» فعالین مخالف حکومت سرکوب شده و شوراهای مدیریت دانشگاه مورد حمله قرار گرفتند و انتصابات قیم‌ها در دانشگاهها نهادینه شد. در تمام این مدت دولت ترکیه با روانه کردن اندیشه اسلام سیاسی به دانشگاهها و حذف دروس علمی نظیر دیالکتیک از دانشگاه با مقاومت دانشجویان روبرو شده و کشاکش میان دانشجویان با حکومت را شدت داده است.

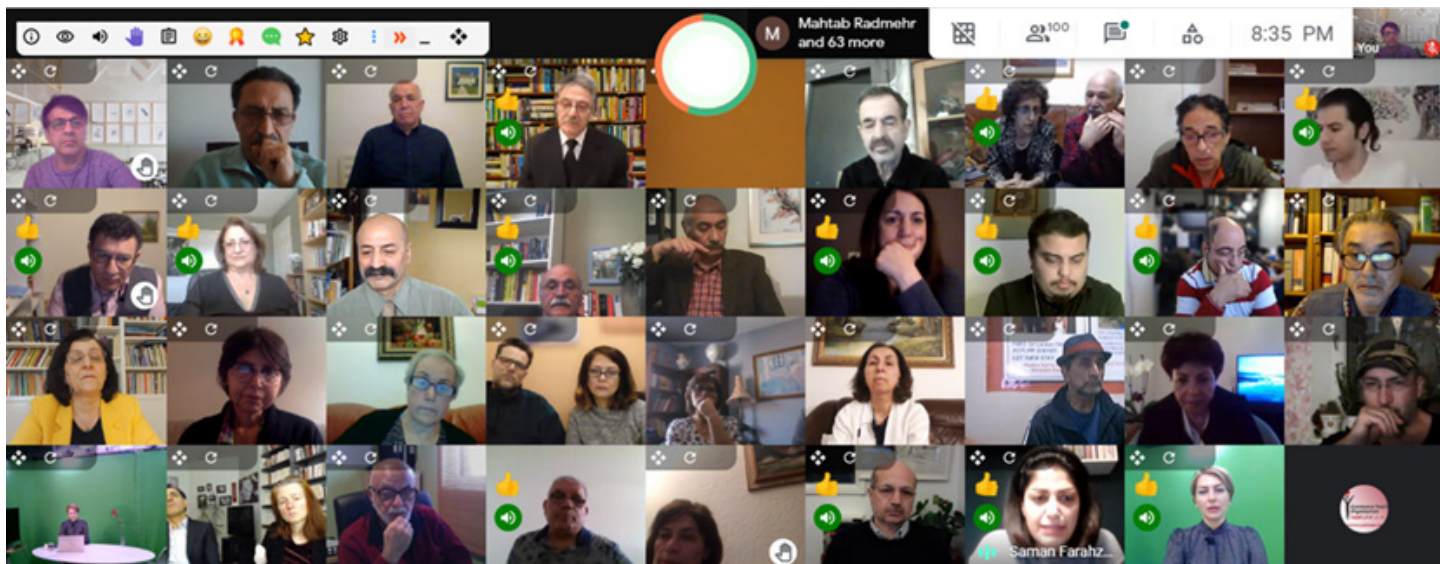
به تازگی بحث قیام برای دانشگاه بغازیچی موجب اعتراضات وسیعی شده است که دانشجویان بحق از مستقل بودن دانشگاه دفاع میکنند، اما قبل از هر چیز خوب است به تاریخچه این دست اندازی نیز نگرست. همراه با دستگیری‌ها و برکناری اساتید کلیدی در شورای مدیریت دانشگاه‌ها با پرونده «ارگنه کن» از سال ۲۰۰۶ و ادامه دستگیریهای اساتید و دانشجویان بعنوان راه مقابله جدی با مدیریت مستقل دانشگاه با انتصاب قیم و مدیران دانشگاهی از سال ۲۰۱۲ اوج میگیرد. اعتراضات به این اوضاع در دانشگاه صنعتی خاورمیانه آنکارا و حاجت تپه اوج میگیرد و در مراسم فارغ التحصیلی شعارهای ضد حکومتی مانند پتکی بر کمر حکومت فرود میآید. پرونده رضا ضراب در سال ۲۰۱۳ به همراه تخریب پارک گزی برای ساخت مسجد توسط اردوغان دست به دست هم داده شعله

مراسم بزرگداشت نازنینم برومند عزیز به صورت آنلاین برگزار شد



رفیق عزیزمان نازنینم برومند عضو و قریب‌ترین حزب کمونیست کارگری ایران در ۱۷ فوریه ۲۰۲۱ (۲۹ بهمن ۱۳۹۹) پس از مدت‌ها جدال با سرطان در شهر هامبورگ آلمان در سن ۵۵ سالگی درگذشت. در گرامیداشت و بزرگداشت این عزیز و یک عمر تلاش برونده اش برای رایبر و آزادی در ایران، مراسم یادبودی شب پنجشنبه ۲۵ فوریه به صورت آنلاین برگزار شد. در شروع برنامه ویدئو کلیپ کوتاها از پوکر افر

نازنینم عزیز همراه با عکس‌ها و کلیپ‌های کوتاه و گزارش کوتاها از ۳۰ سال فعالیت متشکل سیاسی و صدها سیاه‌زارع پنخ‌ش شد. پس مینا احدی، سوسن احمدی، حمید تقوایی، پیرداد انش، مصطفی صابرو اصغر کریمی هر کدام به ایراد سخنران کوتاها پرداختند. در فاصله بین نطق سخنرانان جزموزیک مورد علاقه نازنینم عزیز پنخ‌ش شد و مسعود و امیرزاهدی نیز هر یک ترانه‌ای اجرا کردند. پس حاضرین به یاد نازنینم عزیز گلدس‌های شراب را بلند کردند و هر یک به تعریف خاطره‌ها و صفات شایسته و خصائل نیک و انسان‌ها نازنینم عزیز انسان عزیز و دوست داشتنی پرداختند. مراسم در میان موج‌زنده و هنایر بر احساس و صمیمیت پایان یافت.



از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hki](https://t.me/wpi_hki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

بیانیه انجمن در رابطه با گزارش سازمان ملل

گزارشگر ویژه سازمان ملل، "اگنس کالامار"، گزارش ۴۵ صفحه ای خود در مورد شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراین را منتشر کرد. در این گزارش از عمدانه بودن سرنگونی هواپیمای اوکراینی و آزار و اذیت گسترده خانواده های جانبختگان و نقض حقوق بشر توسط ایران صحبت شده است.



انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز PS752

بیانیه انجمن خانواده‌های جانبختگان در رابطه با گزارش سازمان ملل

پنجم اسفند ماه ۱۳۹۹

امروز، گزارشگر ویژه سازمان ملل گزارشش را در مورد سرنگون کردن پرواز PS752 منتشر کرد. مایه‌ی شگفتی نیست که جمهوری اسلامی ایران پس از ۶۰ روز به سوالات ایشان پاسخ نداده است. نکته‌ی قابل توجه این است که سازمان ملل این جنایت را در حیطه‌ی «کشتارهای خودسرانه» بررسی کرده است، که با دلیل تراشی ایران تحت عنوان «خطای انسانی» تناقض دارد.

گزارش خود کاملاً گویاست. یک بار دیگر، یک نهاد بین‌المللی معتبر این گمانه را تقویت می‌کند که حمله‌ی موشکی به هواپیما عمدی بوده است. یک بار دیگر جمهوری اسلامی ایران به خاطر رفتار غیرانسانی و خصمانه‌اش نسبت به خانواده‌های جانبختگان و دیگر منتقدان رژیم به پرسش گرفته می‌شود.

contact@ps752justice.com

www.ps752justice.com

شما در داخل کشور چه برنامه ای دارید؟



هشت مارس روز جهانی زن (امسال مصادف با ۱۸ اسفند)

شما در داخل کشور چه برنامه ای دارید؟

تشویق و سازماندهی زنان به دوچرخه سواری؟

تقدیم شاخه گلی به زنان؟

توزیع شیرینی به زنان؟

شعارنویسی؟

توزیع نوشته و کلیپ در مورد هشت مارس و برابری زن و مرد؟

تشویق دوستانتان به یکی دو قلم از این فعالیت ها؟

هر آزادیخواهی، هر انسان مخالف حکومت باید خود را در مبارزه برای برابری زن و مرد و مقابله با قوانین ضد زن اسلامی شریک بداند. گفتمان هشت مارس را هر چه بیشتر توده ای و سراسری کنیم.

ما بسیاریم. هر کدام کاری بعهده بگیریم.

زنده باد هشت مارس روز جهانی زن



انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز PS752

یک بار دیگر، کارشناسان سوالات مهمی را مطرح می‌کنند که پاسخگویی ایران را در ارتکاب این جنایت مورد تردید قرار می‌دهد.

این گزارش، نتیجه‌ی مستقیم همکاری متقابل انجمن خانواده‌های جانبختگان با خانم اگنس کالامار است که با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ایشان به ثمر نشسته است. همکاری خانواده‌هایی که یافته‌های دست اول خود را در اختیار ایشان گذاشتند. انجمن خانواده‌ها از خانم اگنس کالامار و تحلیل دقیق و مسوولانه‌ی ایشان سپاسگزار است.

۱۷۶ جانبختگی پرواز PS752 و به خصوص ۱۳۹ مسافری که عازم کانادا بودند شایسته‌ی دیدن رفتاری مقتدرانه از دولت خود هستند. پس از انتشار این گزارش، نوبت به دولت کانادا می‌رسد که استراتژی منفعل کنونی را تغییر دهد. خانواده‌ها از هر تلاشی که به عدالت منتهی شود فروگذار نکرده‌اند و حال نوبت دولت محترم کاناداست تا جمهوری اسلامی ایران را در دیوان بین‌المللی دادگستری به دستگاه عدالت بسپرد.

contact@ps752justice.com

www.ps752justice.com

مردم سراوان در اعتراض به جنایت سپاه فرمانداری شهر را تسخیر کردند



انسانی دیگر در استان هایی مانند سیستان و بلوچستان و کردستان کرده است، اما همین مردم زحمتکش را هم به حال خود رها نمیکنند و روزی نیست جنایتی علیه این مردم مرتکب نشوند.

به این جنایت هولناک حکومت باید وسیعاً اعتراض کرد و قاطعانه از مردم معترض سراوان حمایت کرد. حزب کمونیست کارگری کلیه مردمازاده در سراسر کشور، تشکل های مردمی و همه مردم آزاده در سراسر کشور را فرامیخواند که به هر شکل که میتوانند دست به اعتراض بزنند و از مردم و بلوچستان حمایت کنند و مانع سرکوب مردم معترض و حق طلب این منطقه شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۵ اسفند ۱۳۹۹، ۲۳ فوریه ۲۰۲۱

درآورده و علیه حکومت و مقاماتش شعار دادند. چندین جاده نیز توسط مردم شهر بسته شد. بر اثر تیراندازی نیروهای سرکوب، تعداد دیگری از مردم نیز مجروح شدند. رفتار وحشیانه اوباش سپاه و انتظامی خشم مردم را بیشتر شعله ور کرد و درگیری مردم با سرکوبگران به خیابان های شهر کشیده شد و تعدادی از خودروهای پلیس توسط مردم به آتش کشیده شد. اعتراض در سراوان چنان بالا گرفته که فرمانداری از ترس هجوم مردم به سایر مراکز حکومتی آنها را تعطیل اعلام کرد و نوعی حکومت نظامی در شهر برقرار کرده است.

مشتی مفتخور و جنایتکار بر همه امکانات جامعه چنگ انداخته و دهها میلیون مردم را به فقر مطلق کشانده و آنها را وادار به کولبری و سوخت بری و هزار «شغلن پر مشقت و غیر

روز دوشنبه ۴ اسفند سپاه پاسداران دست به جنایت هولناکی در نقطه صفر مرزی آسکان شهرستان سراوان زد و حداقل ده سوخت بر رابه قتل رساند و ۵ نفر را مجروح کرد. جرم سوخت بران این است که خطر را به جان میخرند که لقمه نانی برای خانواده شان تهیه کنند.

مردم سراوان در مقابل این جنایت از دیروز دست به تجمع اعتراضی زدند و امروز ۵ اسفند اعتراض ابعاد وسیعی پیدا کرد و به سطح کلشهر کشیده شد. مردم خشمگین ابتدا در مقابل فرمانداری شهر تجمع کردند. سپاه و نیروهای انتظامی دست به تیراندازی با گلوله هایساجمه ای و پرتاب گاز اشک آور بطرف مردم زدند تا جمعیت را متفرق کنند. مردم در مقابل این رفتار وحشیانه سرکوبگران حکومت، وارد فرمانداری شدند و آنرا به اشغال خود

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۹

پرواز ۷۵۲: برخی مدارک نابود شده است

گزارشگر سازمان ملل عمدی بودن شلیک به هواپیما را منتفی نمیداند

کاظم نیکخواه

گزارشگر سازمان ملل میگوید مقامات ایران هنوز نتوانسته اند ثابت کنند که شلیک به هواپیما عمدی نبوده است. به گزارش بی بی سی آگنس کالامارد، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور اعدامهای فراقضایی و خودسرانه، گفته است اظهارات متناقض مقامهای ایرانی درباره نحوه سرنگون کردن هواپیمای اوکراینی توسط موشکهای سپاه پاسداران به سوالات و ابهامات

تردید در این که شلیک به هواپیما عمدی بوده نیست.



درباره آن واقعه دامن می زند. این مقام سازمان ملل متحد می گوید مقامات جمهوری اسلامی در جریان تحقیقات شش ماهه وی از پاسخ دادن به سوالات او خودداری کرده و نظر می رسد برخی مدارک مرتبط با آن واقعه نابود شده باشد. این اظهارات در بخشی از گزارش خانم کالامارد به جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران، آمده است. گزارش مذکور - که بنا بر ضوابط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد باید سه ماه محرمانه باقی می ماند - روز سه شنبه (۲۳ فوریه) رسماً منتشر شد.

شواهد زیاد است. روشن است که باید مراحل حقوقی اثبات این جنایت کاملاً طی شود. اما روزی که همه چیز کاملاً روشن شود سوال اینست که دنیا چه خواهد کرد؟ با حکومتی که دست به یک جنایت فجیع علیه بشریت زده و ۱۷۶ انسان را عامدانه از آسمان به زمین کشیده است و زندگی بستگانشان را نیز به فاجعه و نابوده کشانده، چه برخوردی خواهد شد؟ آیا سران این حکومت به محاکمه کشیده خواهند شد؟ آیا عاملان و آمران این جنایت به دادگاههای بین المللی علنی پشت میز محاکمه قرار خواهند گرفت؟

تلاش همه ما و بازماندگان قربانیان اینست. تا زمانی که جنایتکاران و قاتلان عزیزان مردم به دست عدالت سپرده نشده اند خواب آرام نخواهیم داشت.

این مقام سازمان ملل متحد گفته است که توضیحات تهران تا به حال شامل «تناقضهای متعددی» بوده است، از جمله در خصوص پنجره زمانی آتش موشک پدافند سپاه

توضیح و تصحیح!

در شماره ۹۰۸ در بخش مدیای اجتماعی مطلب "اگر جلوی پولبران را می گرفتید کولبری نداشتیم" امضای کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران کپی نشده بود، توضیح آنکه مطلب مزبور از کانال تلگرامی زیر برگرفته شده بود.

اطلاعیه های حزب

با اعتصاب عمومی در سیستان و بلوچستان همراهی کنید!

هشت مارس روز به مصاف گرفتن توحش ضد زن



هشت مارس روز جهانی زن فرا می‌رسد. هشت مارس خاری است در چشم کل ارتجاع کپک زده ای که از قبل ستمگری علیه زنان نان می‌خورد و علیرغم جنبش جهانی و گسترده آزادی زن، تلاش و تقلا دارد که سنتهای عهد توحش علیه زنان را همچنان پابرجا نگه دارد. امروز سنگر اصلی ارتجاع ضد زن حکومت اسلامی ایران است و جنبش پیشرو و رادیکال آزادی زن در ایران سنگر اصلی رهایی زنان از ستم و توحش و آپارتاید جنسی است.

زنان در ایران از همان بدو روی کار آمدن رژیم اسلامی در پیگیری بی امان با این حکومت زن ستیز بوده اند. از تظاهرات پرشور زنان در هشت مارس سال ۵۷ علیه حجاب تا مبارزه هر روزه زنان علیه مظاهر آپارتاید جنسی و درگیری با اوباش جمهوری اسلامی در خیابان و محل کار و مدرسه و دانشگاه، از حضور رادیکال و پرشمار زنان در صف اعتراضات خیابانی تا اعتراض دختران خیابان انقلاب علیه حجاب و جنبش گسترده خلاصی فرهنگی جوانان و تا کارزارهای اینترنتی علیه بی حقوقی زنان و نمونه های بسیار دیگر همگی حاکی از آن است که انقلابی در ایران در چشم انداز است که رنگ و بوی زنانه دارد و نه فقط سرتاپای جمهوری اسلامی را به گور خواهد سپرد، بلکه ابعاد مدرن و انسانی و آزادیخواهانه آن چشم جهان را خیره خواهد کرد.

هشت مارس روز جهانی زن را باید به روز اتحاد سراسری برای برکندن ریشه آپارتاید منحوس جنسیتی تبدیل کنیم. این روزی است که زنان و همه انسانهای آزاده به میدان می آیند و اعلام میکنند عزم جزم کرده اند تا در برابر

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اسفند - ۱۳۹۹ ۲۱ فوریه
۲۰۲۱

کارگران! مردم آزادیخواه
کردستان!

با همبستگی با اعتصاب عمومی در سیستان و بلوچستان، به کشتار سوختبران سراوان اعتراض کنید! روز دوشنبه چهارم اسفند ماه سال جاری نیروهای جنایتکار سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی در حمله ای وحشیانه جان چندین سوخت بر در سراوان را گرفتند. مردم مبارز سراوان و دیگر شهرهای استان سیستان و بلوچستان در اعتراض به این جنایت در مقابل فرمانداری شهر سراوان دست به تجمع اعتراضی زدند. نبرهای سپاه پاسداران و انتظامی با شلیک گاز اشک آور و تیراندازی بطرف مردم تلاش کردند تجمع اعتراضی صدها جوان زن و مرد را که عزیزانشان را از دست داده اند، پراکنده کنند و مانع این تجمع بشوند. در اعتراض به این تعرض مردم معترض به فرمانداری حمله کرده و این

محل را به تصرف خود در آوردند و به آتش کشیدند.

امروز طبق فراخوان مردم شهر سراوان در این شهر اعلام اعتصاب عمومی شده است و همه کارها تعطیل است. دامنه اعتصاب عمومی به تعداد زیادی از شهرهای دیگر استان سیستان و بلوچستان نیز کشیده شده است.

ما همه مردم کردستان بویژه کولبران و همه کارگران را به حمایت فعال از اعتصاب عمومی در سیستان و بلوچستان فرا میخوانیم. ما مردم کردستان با مردم محروم سیستان و بلوچستان هم سرنوشتیم و باید دست بدست هم دهیم و در کنار دیگر بخشهای مردم تعرضات و جنایات حکومت اسلامی و نیروهای مزدور و منفورش را محکوم کنیم.

در همه شهرها در حمایت از مردم سیستان و بلوچستان

دست به تجمع و اعتراض بزنید. حمایت از سوختبرانی که وحشیانه توسط نیروهای حکومت کشتار شده اند، حق طبیعی و بدیهی همه مردم است. از حقوق انسانی باید با صدای رسا دفاع کنیم. همبستگی با بخشهای دیگر مردم در برابر جنایتکاران را گسترش دهیم.

اینکه از کردستان و دیگر بخشهای جامعه صدای حمایت وسیع از مردم محروم بلوچستان و سوختبران شنیده شود، یک گام اساسی مبارزه ما علیه حکومت جنایتکاران را جلو خواهد برد و فضای همبستگی سراسری را دامن خواهد زد. به اعتصاب مردم سیستان و بلوچستان پیوندید و کشتار سوختبران در سراوان را محکوم کنید.

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۶ اسفند ۱۳۹۹
۲۴ فوریه ۲۰۲۱

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۱



به مناسبت روز جهانی تکلم به زبان مادری

روز ۳ اسفند برابر با ۲۱ فوریه روز جهانی زبان مادری را پشت سر گذاشتیم. روز زبان مادری از سوی سازمان یونسکو اعلام شده است و وجود چنین روزی در تقویم مناسبت ها فرصتی برای تاکید بر یکی از حقوق پایه ای مردمی است.

خوزستان ۵۴ شهر و ۲۷ شهرستان را در بر میگیرد که بیش از نیمی از جمعیت ساکن در آن عرب هستند و به زبان عربی که همان زبان نخست آنهاست صحبت میکنند. به لحاظ تعداد دانش آموز نیز این استان در رتبه سوم کشوری قرار دارد که اکثریت آنها عرب زبان هستند. اما آموزش زبان عربی از سال ششم تحصیل، زمانی که کودک ۱۲ ساله است و عملاً ۶ سال تحصیلی را به زبان فارسی پشت سر گذاشته شروع میشود که دیگر دیر است. گنجاندن زبان عربی در لیست آموزشی صرفاً به این دلیل است که قرآن و کتابهای اسلامی آموزش داده شود.

محرومیت از آموزش به زبان مادری بعلاوه به معضل دور ماندن از تحصیل و آموزش و افزایش بیسوادی دامن زده و مانع شکوفا شدن استعدادهای کم نظیر کودکان شده و این خود راه را بر فرصت های پیشرفت اجتماعی از مردم عرب بسته است.

نداشتن حق تکلم در ادارات و مراکز دولتی به زبان عربی و محرومیت کودکان از آموزش به زبان مادری در مدرسه، حذف زبان عربی از لیست زبانهای غیر فارسی در فرم ثبت نام مدارس، با توجه به اینکه در خوزستان زبان اکثریت مردم عربی است، همگی از جمله اقدامات عامدانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی است.

جدا از مشکل آموزشی، کودک دو زبانه در خیلی موارد تحقیر میشود و از بازی های جمعی کنار می ماند و این شکاف در میان کودکان تبعات روانی و اجتماعی پیدا میکند و این دقیقاً همان

زبان وسیله ارتباط و آموزش در جامعه است و ستم و تبعیض بر بخشی از مردم به دلیل تفاوت زبانی، از نظر ما قابل قبول و قابل تحمل نیست و ریشه در مناسبات ستمگرانه حاکم دارد. زبان مادری زبانیست که کودک از بدو تولد می شنود و از مادر فرا می گیرد و با والدین، خویشان و همسالانش صحبت میکند و ارتباط اجتماعی برقرار میکند. حق تکلم و آموزش به زبان مادری از حقوق بدیهی و شهروندی و جهانشمول انسانهاست و رابطه تنگاتنگی با دیگر حقوق بشری دارد. مردم باید از حق طبیعی استفاده از زبان مادری و زبان نخست خود برخوردار باشند.

بنا بر آمارها در ایران حدود ۲۰۰ زبان و لهجه گویشی است. از میان آنها ۱۰ زبان اصلی فارسی، ترکی (آذربایجانی، ترکمن، قشقایی) کردی، لری، عربی، مازندرانی، گیلکی، ارمنی، بلوچی به نسبت آمار گویشگران بیشتری دارند.

به گفته مقامات حکومتی از تعداد ۱۴ میلیون و ۴۶۸ هزار نفر دانش آموز ۷۰ درصد آنها دو زبانه هستند. و این بیش از پیش بر رفع ستم زبانی که مشابه ستم ملی است، تاکید میگذارد. بویژه اکثریت کودکان غیر فارسی زبان، در استانهای محروم و مناطق مرزی هستند که خیل عظیمی از آنها توانایی تکلم به زبان رسمی را ندارند و بعضاً اصلاً آن را نشنیده اند. تحصیل به زبان مادری حق

آموزش به زبان مادری حقوق مسلم مردم است و باید با مبارزات خود آنها به قانون تبدیل کرد. باید آموزش به زبان مادری جز جدایی ناپذیر از سیستم آموزش باشد. هیچ زبانی بر زبان دیگر برتر ندارد. هیچ قومیتی بر قوم دیگر برتر ندارد.

حقوق انسان مردم جهان شمول است.



همه حکومتهای سرمایه داری و فاشیستی است که بدترین شکلی در ایران جاری است.

حزب کمونیست کارگری در برنامه یک دنیای بهتر بر حق آموزش به زبان مادری تاکید میکند و در برنامه چنین آمده است: "دولت میتواند یک زبان از زبان های رایج در کشور را به عنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید، مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای متکلمین به سایر زبانها، در زمینه های زندگی سیاسی و اجتماعی و آموزشی، وجود داشته باشد و حق هر کس به اینکه بتواند به زبان مادری خویش در کلیه فعالیت های اجتماعی شرکت کند و از کلیه امکانات اجتماعی مورد استفاده همگان بهره مند شود محفوظ باشد."

کمیته سازمانده-واحد خوزستان
۴ اسفند ۹۹، ۲۲ فوریه ۲۰۲۱

در مبارزاتشان بر خواست آموزش به زبان مادری تاکید دارند. حق تکلم و آموزش به زبان دلخواه مردم، حق به رسمیت شناختن زبان عربی در مدارس و ارگانها، حق داشتن مترجم رایگان در ادارات و مراکز درمانی، حفظ احترام و شان و منزلت مردم عرب و سایر قومیت ها وظیفه تعریف شده حکومت است و باید به آنها جامه عمل ببوشاند.

آموزش به زبان مادری حق مسلم مردم است و باید با مبارزات خود آنها به قانون تبدیل کرد. باید آموزش به زبان مادری جزء جدایی ناپذیری از سیستم آموزشی باشد. هیچ زبانی بر زبان دیگری برتری ندارد. هیچ قومیتی به قومیت دیگر برتری ندارد. حقوق انسانی مردم جهان شمول است.. تفکیک قومیت ها و ارزش گذاری های ناعادلانه و سودجویانه و ترویج آپارتاید قومیتی، زبانی، جنسیتی در جامعه، روال کار

زمینه تفرقه و جدایی میان بخشهای مختلف مردم را فراهم میکند که حکومت و جریانات ناسیونالیست و قوم پرست آنها را میزنند.

دامن زدن به شکاف در میان مردم تحت عنوان قومیت و از جمله زبان، یک سیاست حکومت فاشیست جمهوری اسلامی است. این سیاست فاشیستی در خدمت کند کردن نوک تیز حمله مردم علیه جهنم جمهوری اسلامی است.

امسال به مناسبت روز جهانی زبان مادری تحکرات بسیاری بر سر این حق پایه ای مردمی جاری بود. از جمله شماری از فعالین اجتماعی در سندج مقابل دادگستری این شهر جهت محکوم کردن صدور حکم ۵ سال حبس برای زهرا محمدی، مدرس زبان کردی همزمان با روز جهانی زبان مادری دست به تجمع زدند. سالهاست که مردم عرب

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۲

تاکید اتحادیه آزاد کارگران ایران بر خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون

جنبش هستند. بعلاوه یک تاکید همه اینها بر درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن است. باید وسیعا به این جنبش پیوست.

حزب کمونیست کارگری کارگران در تمامی مراکز را به پیوستن به این حرکت اعتراضی و تاکید بر خواست افزایش چندین برابر دستمزد فرا میخواند. این گفتمان ها باید به گفتمان همه تجمعات اعتراضی در کف خیابان تبدیل شود و همه جاتکتیر گردد تا بتوان حکومت و سرمایه داران مفتخوران را عقب راند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شوراها حزب کمونیست کارگری ایران ۷ اسفند ۱۳۹۹، ۲۵ فوریه ۲۰۲۱

قبل از آن اتحادیه آزاد کارگران ایران و ۹ تشکل کارگری طی بیانیه هایی بر خواست حداقل دستمزد به بالای ۱۲ میلیون و دوازده میلیون و نیم تاکید کرده اند.

این چنین است که جنبشی قدرتمند بر سر خواست افزایش دستمزدها در جریان است و بخشهای مختلف کارگری عزم خود را برای جدال در این عرصه اعلام میکنند. ۲۵ هزار کارگر نفت نیز در اعتصاب مرداد ماه خود بر همین خواست تاکید کردند و هم اکنون در اعتراض به اجرایی نشدن وعده های داده شده در تدارک اعتصابی دیگر هستند. جنبش برای خواست افزایش دستمزدها با خواست افزایش دستمزدها گسترده است. کارگران، معلمان، بازنشستگان بخش های مهم این

تعیین تصویب حداقل دستمزد ۱۲ میلیونی میتواند اندکی از افزایش فشار بر خانواده های کارگری جلوگیری کند و از آنجا که خط فقر ۱۱ میلیون تعریف شده هر پرداختی کمتر از آن دردی از مشکلات بی شمار کارگران را درمان نخواهد کرد و قابل پذیرش نیست. این نرخ ۱۲ میلیونی کمترین میزانی است که یک خانواده کارگری برای رفع نیازهای اولیه خود نظیر خوراک، پوشاک، مسکن و آموزش و درمان به آن نیازمند است. در خاتمه بیانیه با تاکید بر حداقل مزد ۱۲ میلیون چنین آمده است: "ما کارگران گروه ملی فولاد نیز خواهان تصویب حداقل مزد ۱۲ میلیونی برای کارگران هستیم و برای حصول نتیجه و نیل به این هدف با کارگران در سراسر دنیا همراه و هم قدم خواهیم شد."

فرمایشی برای یورش همه جانبه به زیست خانواده های کارگری از یکدیگر پیشی میگیرند. شورایی که هیچ گاه به هیچ کارگر مستقل و یا نمایندگان مستقل آنان فرصت حضور و سخن گفتن از لزوم افزایش دستمزد و وضعیت معیشت کارگران را نمیدهد و به حضور اعضای شوراهای اسلامی و خانه کارگر؛ این نهادهای مزدور و جیره خوار برای تایید مصوبه های ضد انسانی و ضد کارگری بسنده میکنند و با حضور "نا نمایندگان" سعی در مشروع نشان دادن سهم اندک کارگران از تولید و ثروت ملی دارند. در ادامه بیانیه ضمن اشاره به طرحهایی چون "مزد توافقی" و یا منطقه ای کردن دستمزد و تدارک تهاجمی دیگر به معیشت کارگران در شورایی عالی کار و حکومتیان چنین آمده است: "در این شرایط تنها

در حالیکه شورایی عالی کار حکومت بر سر تعیین حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۰ در تدارک تهاجم دیگری به زندگی و معیشت کارگران است، تحرکات اعتراضی بر سر این موضوع در میان کارگران بسیار بالاست. از جمله در این هفته کارگران فولاد اهواز طی بیانیه ای خواستار حداقل دستمزد ۱۲ میلیون شدند. این کارگران در بیانیه خود اعتراضشان را به سطح نازل دستمزدها و بالا رفتن سرسام آورم نرخ تورم و قیمت اجناس و کاهش هر روزه قدرت کارگران و کل جامعه بلند کردند و در بخشی از بیانیه آنها چنین آمده است: "شورایی عالی کار مرجعی برای تصمیم گیری تصویب نرخ دستمزد نهادی که با حضور ۷ نفر طرف دولتی و کارفرمایی در مقابل ۳ نفر به اصطلاح نماینده کارگری در پروسه ای نمایشی و

خبر

سیستان و بلوچستان

در حالیکه مقامات و رسانه های حکومتی ادعا میکنند که در سیستان و بلوچستان کنترل کامل دارند و اوضاع آرام است، امروز پنجمشنبه ساعت ۷ عصر به وقت ایران مردم معترض «سوران» کیوسک نیروی انتظامی را آتش زدند و نیروهای امنیتی را فراری دادند. فودرهای نیروهای سرکوب نیز یکی پس از دیگری فرار میکنند. روز ۶ اسفند نیز پایگاه شورو را تسفیر کردند. سرکوبگران برای جلوگیری از پفش فبرهای اعتراضات مردم اینترنت را در کل استان سیستان و بلوچستان مفتل کرده اند.

اعتصاب عمومی امروز نیز در زاهدان و ایرانشهر و سرباز و سراوان برقرار بود و در نقاط مختلف این شهرها زد و فورد میان مردم و اوباش هاگم ادامه داشت. حداقل تا کنون ۱۵ نفر توسط نیروهای سرکوب به قتل رسیده و دهها نفر مجروح شده اند.



برای

- ◊ رهایی از فقر، فلاکت و استثمار!
- ◊ برپایی جامعه ای مدرن و سکولار!
- ◊ برقراری حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی!
- ◊ آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، تشکل و اعتصاب!
- ◊ رهایی از سلطه مذهب!
- ◊ برابری کامل زن و مرد!
- ◊ ایجاد یک زندگی شاد و ایمن برای کودکان!
- ◊ خلاصی از اعدام و زندان و شکنجه!
- ◊ برقراری بیمه ها و تأمینات اجتماعی برای همه!
- ◊ و برای خلاصی از شر حکومت اسلامی و ایجاد یک دنیای بهتر!

**به حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید!**

اعتصاب در پالایشگاه آبادان و ادامه اعتراضات کارگران در پالایشگاه گاز ایلام

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۳

اعتصاب در پالایشگاه نفت سنگین قشم!

روز ۲ اسفند ۴۰۰ کارگر پروژه ای پالایشگاه آبادان در شرکت های اکسیر صنعت، سکاف و آبادراهان در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق و عیدی و مزایای آخر سال خود دست به اعتصاب زده و در محوطه پالایشگاه تجمع کردند. این اعتراضات ادامه دارد. در آستانه سال نو یک موضوع اعتراض وسیع در مراکز کارگری اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و عیدی و پاداش آخر سال است. کارگران پالایشگاه آبادان بخشی از ۲۵ هزار کارگر پیمانی هستند که در مرداد ماه سال جاری دست به اعتصاب زدند و صدای اعتراض خود را به سطح نازل حقوقها، قراردادهای

موقت کاری و پیمانی، شرایط اسفناک کاری و معیشتی، عدم اجرای پروتکل های سازمان بهداشت جهانی، دزدی ها و اختلاس ها بلند کرده و بر خواستهایی چون افزایش حقوق ها به بالای دوازده میلیون، قطع دست پیمانکاران، توقف اخراج ها و دائمی شدن قراردادهای امنیت شغلی، و پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کار تاکید کردند.

بنا به یک گزارش دیگر روز ۲ اسفند کارگران اخراجی واحد شیرین سازی میعانات گازی پالایشگاه گاز (شرکت آراین تجارت مانا) در ایلام نیز با خواست بازگشت به کار در مقابل استانداری ایلام تجمع

کردند. در این شرکت ۶۱ نفر از واحدهای مهندسی و فنی اخراج شده اند. خلف وعده های داده شده به تحرکات اعتراضی در میان کارگران شاغل در نفت و موسسات وابسته به آن دامن زده است. این هفتمین تجمع اعتراضی کارگران بیکار شده شرکت آراین تجارت در ماه های اخیر است

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراهای

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اسفند ۱۳۹۹، ۲۱ فوریه ۲۰۲۱

۲۰۰ کارگر شرکت آویژه در پالایشگاه نفت سنگین قشم از اول اسفند در اعتراض به تعویق پرداخت دو ماه مزد و دیگر طلبهایشان در اعتصاب بسر می برند و با جمع شدن در محوطه پالایشگاه خواسته های خود را طلب میکنند. نیروی انتظامی نیز مثل همیشه در محل حاضر است. کارگران شرکت آویژه خواستار پرداخت فوری طلبهای خود و افزایش حقوقها و دائمی شدن قراردادهای کاری شان هستند.

تحرکات اعتراضی در میان کارگران نفت و مراکز وابسته به آن گسترده است. زمزمه های برای برپایی اعتصاب سراسری دیگری در میان کارگران غیر رسمی نفت شنیده میشود. کارگران نفت به عدم اجرای وعده های داده شده در مرداد ماه امسال معترضند. این

کارگران در چهارم بهمن ماه ضمن حمایت از تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت بر خواسته های خود به این شکل تاکید کردند:

خواستهای ما کارگران غیر رسمی عبارتند از:

۱ - حقوقهای ما همانطور که در مرداد ماه اعلام کرده ایم کفاف زندگی مان را نمیکند و باید به رقم بالای خط فقر اعلام شده دولت یعنی بالای ۱۲ میلیون افزایش یابد. هیچ کارگری نباید کمتر از این رقم مزد دریافت کند.

۲ - برای داشتن امنیت شغلی و سد کردن تعرضات پیمانکاران مفتخور به زندگی و معیشتمان باید قراردادهای موقت و پیمانی به قراردادهای دائم و مستقیم با نفت تبدیل شود و به پاسکاری ما کارگران مابین پیمانکاران مفتخور خاتمه داده شود.

انجمن مارکس برگزار می کند

جایگاه اختلاف نظر، رای اکثریت و پراتیک مبارزاتی در احزاب انقلابی

سخنران: حمید تقوایی

یکشنبه ۲۸ فوریه ۲۰۲۱، ۱۰ اسفند ۱۳۹۹ ساعت ۱۹:۰۰ بوقت اروپای مرکزی، ۲۱:۳۰ بوقت ایران

ورود برای عموم آزاد است.

برای شرکت در این برنامه با آیدی پیامگیر تلگرام

@sjktamas

تماس بگیرد

برنامه بصورت همزمان از اینستاگرام، تویتر و فیسبوک در ساعت اعلام شده پخش می شود. تماس با ما در تلگرام و سیگنال:

۰۰۴۶۷۳۹۶۸۱۴۳۸

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۴

۸ مارس روز جهانی زن، روز جشن ماست، ۸ مارس را گرامی بداریم

۸ مارس روز کیفرخواست علیه حکومت آپارتاید جنسی و روز دفاع از شان و جایگاه و حقوق انسانی زنان است.

زنان همواره در صف مقدم اعتراض علیه وضع ضد انسانی موجود، و علیه قوانین و سنتها و فرهنگ اسلامی در ۴۰ سال گذشته بوده اند.

۸ مارس روز دادخواهی علیه بیش از ۴ دهه شکنجه، بیحقوقی، اذیت و آزار جسمی و روانی، تجاوز جنسی و جنایتهای سازماندهی شده حکومت ضد زن و جنایتکار اسلامی است.

۸ مارس روز گرامیداشت بیش از ۴۰ سال ایستادگی شجاعانه جنبش نوین رهایی زن مقابل یک حکومت ضد زن و جنایتکار است. جنبش نوین رهایی زن جنبشی انسانی، در پیوند با اعتراضات کل جامعه مدرن و پیشرو و برابری طلب است. جنبش نوین رهایی زن یک رکن مهم

جنبش سرنگونی است.

۸ مارس روز کیفرخواست علیه جنایات رژیم علیه زنان، اسید پاشی ها، تجاوز، سنگسار، دستگیری بخاطر تن ندادن به حجاب، و علیه احکام زندان و شلاق و... است.

۸ مارس روز اعتراض به تمام مظاهر ستم و خشونت سازمانیافته علیه زن و روز بر زمین کوبیدن حجاب این سمبل بردگی و آپارتاید جنسی در ایران است.

۸ مارس را با ابتکارات مختلف به یک روز اعتراض سراسری علیه رژیم آپارتاید جنسی با خواست بایکوت جهانی این رژیم بخاطر همه سیاستها و جنایاتش تبدیل کنیم.

جمهوری اسلامی بخاطر همه جنایاتش علیه زنان باید در سطح جهان بایکوت شود
زنده باد جنبش آزادی زن!

فعالیت های میدانی به مناسبت ۸ مارس در ایران:

۸ مارس روز جهانی زن، روز جشن ماست، ۸ مارس با رقص و پایکوبی ی گرامی بداریم، هشت مارس را با ابتکارات مختلف به یک روز اعتراض سراسری علیه رژیم آپارتاید جنسی تبدیل کنیم.

برداشتن حجاب ها بصورت فردی و جمعی، باز هم تکتیر دختران خیابان انقلاب، اقدام به رقص گروهی و دسته جمعی و پرتاب حجاب در یک مکان عمومی مناسب، سرودخوانی بدون حجاب در اماکن عمومی و شلوغ از جمله مترو، پارک و ... و سخنرانی بدون حجاب در اماکن عمومی، دوچرخه سواری عمومی، پخش شیرینی و گل بمناسبت "روز جهانی زن" در محل زندگی و محل کار

پخش تراکت و پوسترهای زیبا به مناسبت هشت مارس در اماکن عمومی و نصب آنها در تابلو اعلانات دانشگاهها، مراکز فرهنگی و هنری، باشگاههای ورزشی، کتابخانه ها و کتابفروشی ها.

۸ مارس را در دانشگاهها گرامی بداریم. به این مناسبت کنفرانس و سمینار برگزار کنیم و مدیای اجتماعی را به صحنه اعتراضات و به مرکز داغ بحثها و گفتمانهیمان در مورد ۸ مارس تبدیل کنیم.

برگزاری نمایشگاه عمومی عکس از "مبارزات بیش از ۴۰ سال زنان برای رهایی" در دانشگاهها، در گالری ها و

مکانهای مناسب، نمایش فیلم در دانشگاهها، خانه های فرهنگ و مکان های مناسب پخش فیلم های مربوط به مبارزات زنان در سراسر جهان برای دستیابی به حقوقشان در مدیای اجتماعی از جمله فعالیت هایی است که میتوان به مناسبت روز جهانی زن در دانشگاهها به پیش برد. پیام های کوتاه ویدئویی، عکس سلفی فردی و جمعی با تاکید بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی، مبارزه زنان علیه حجاب اجباری و بیش از ۴۰ سال مبارزه زنان ایران برای رهایی را انتشار دهیم.

براه انداختن گفتمان در شبکه های اجتماعی / فیسبوک، توئیتر، تلگرام و اینستاگرام در مورد هشت مارس. برپا کردن کنفرانس و برنامه سخنرانی در مدیای اجتماعی.

بیانیه های جمعی به مناسبت ۸ مارس از سوی کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و بخش های مختلف جامعه با محوریت زنان و انقلاب و بیش از ۴۰ سال مبارزه برای رهایی زن یک اقدام مهم در گرامیداشت ۸ مارس است.

۸ مارس بر آزادی فوری و بی قید و شرط زنان مبارز زندانی از جمله آتنا دائمی، گلرخ ایرایی، منیره عربشاهی، یاسمن آریانی، و مجموعه اعلام کردن پرونده های امنیتی آنها و تمامی فعالین اجتماعی و آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی باید تاکید کرد.

تهیه پوستر و ویدئو و کلیپ هایی کوتاه با عکسها و ویدئوهایی از مبارزه زنان طی بیش از ۴۰ سال گذشته علیه حجاب اجباری، علیه تفکیک جنسیتی، علیه تجاوز و بردگی جنسی و نیز بازتکتیر فعالیت های هشت مارس سالهای گذشته در ایران، - از هم اکنون به این مناسبت شعار نویسی کنیم. تهیه عکس و فیلم از فعالیت ها فراموش نشود.

طوفان توئیتری راه انداختن با هشتک:

#بایکوت_جمهوری_اسلامی

شعارهای ما به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن:

- ۸ مارس، بایکوت جهانی جمهوری اسلامی
- حکومت ضد زن سرنگون سرنگون
- هشت مارس نه به جمهوری اسلامی
- هشت مارس نه به حجاب اجباری
- هشت مارس نه به قوانین اسلامی ضد زن
- هشت مارس نه به سرکوب زنان
- آزادی برابری رفاه، زنده باد انقلاب زنانه
- زنده باد ویدا موحد، زنده باد دختران خیابان انقلاب
- نه به حجاب اجباری، حجاب خشونت است
- حجاب، خشونت علیه زنان است
- حجاب، سند بردگی زن است
- حجاب، ابزار سرکوب است
- نه به قوانین اسلامی، نه به حجاب
- حکومت ضد زن سرنگون سرنگون
- حکومت زن ستیز سرنگون سرنگون
- حکومت اسیدپاش سرنگون سرنگون

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۱ اسفند ۱۹۹۹، فوریه ۲۰۲۱

#نه_به_حکومت_آپارتاید_جنسی
#بایکوت_جهانی_جمهوری_اسلامی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.